

پژوهشی در نوع ادبی منظومه فارغ گیلانی

اکرم کرمی^۱، زهرا پارساپور^۲

چکیده

نواوری‌های شعر شیعی در گستره ادبیات فارسی از حیث محتوا و انواع ادبی درخور توجه است؛ تا جایی که در تشخیص گونه ادبی یک اثر در این حوزه، باید اشراف نسبی به تاریخ ادبیات شعر شیعی داشت. پژوهشگران، منظومه فارغ گیلانی را در زمره ادبیات حماسی عصر صفوی می‌دانند. در این مقاله کوشش شد تا با روش توصیفی تحلیلی ضمن تبیین خطای برخی از پژوهشگران در تشخیص نوع ادبی منظومه‌ای از فارغ گیلانی، به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: برای تشخیص نوع ادبی یک اثر چه ملاحظاتی را باید در نظر داشت؟ مبتنی بر این ملاحظات، منظومه فارغ گیلانی ذیل کدام یک از انواع ادبی قرار می‌گیرد؟ براساس نتایج به دست آمده، جهت تشخیص نوع ادبی یک اثر باید به این موارد توجه داشت: بررسی هم‌زمان ساختار و محتوای اثر، تمایز گونه ادبی و وجه ادبی یک اثر، توجه به تحولات و دگرگونی‌ها و ژانرها و گونه‌های ادبی در طول زمان. با در نظر گرفتن این موارد، بعد از پژوهش و بررسی اثر فارغ گیلانی، مشخص گردید که این اثر در امتداد نوع ادبی «ولایت‌نامه» و البته با وجه حماسی است. از این رو، منظومه فارغ گیلانی را می‌توان ولایت‌نامه‌ای حماسی نامید که از نظر ساختار، محتوا و درون‌مایه با ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی شباهت دارد.

واژه‌های کلیدی: فارغ گیلانی، منظومه، نوع ادبی، ولایت‌نامه، حماسه.

۱. مدرس دانشگاه علامه طباطبایی - تهران akramekarami3845@gmail.com

۲. هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی z.parsapoor@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

۱. مقدمه

شعر شیعی در طول تاریخ با فرازوفرودهایی هویت خود را حفظ کرده و توانسته با تنوع مضامین در قالب‌ها و ساختارهای ادبی شکل بگیرد. تحلیل شعر شیعی و طبقه‌بندی آن در قالب انواع ادبی، بر شناخت جریان شعر شیعی تأثیرگذار است و به دستیابی اطلاعات ارزشمند ادبی، تاریخی، دینی، جامعه‌شناختی، سیاسی، عرفانی و... منجر شده و پژوهشگران را در شناخت تفکر شیعی یاری رسانده است. تقسیم‌بندی شعر شیعی به گونه‌های ادبی اجازه می‌دهد تا ما با دیدی مقایسه‌ای جایگاه آن اثر را در مقایسه با متون هم‌نوع آن بسنجیم؛ همچنین با بررسی سیر شکل‌گیری و تحول گونه‌ها، به علل و عوامل مؤثر فکری، اجتماعی و سیاسی در افول، دگردیسی یا شکل‌گیری نوع جدید حساس شویم. گونه‌های ادبی در ساختاری مشترک یا در محتوایی مشترک یا با ساختار و محتوایی مشترک و به جهت انجام مقاصد شیعی شکل می‌گیرند، رشد می‌کنند و در بخشی از تاریخ افول می‌کنند یا نوعی به نوع دیگر تبدیل می‌شوند یا به مسیر خویش ادامه می‌دهند. هر اثر ادبی ذیل نوعی از انواع ادبی قرار می‌گیرد؛ اما قرارگرفتن در کدام بخش از مسیر حرکت نوع ادبی با توجه به تاریخ، شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی متفاوت است؟ نظریه‌پردازان بر سر ارتباط انواع ادبی با جامعه، اجماع کلی دارند و هرکسی با نظام کلامی خویش از این موضوع سخن گفته است. «چنانچه باختین، نظریه‌پرداز ادبی در مقاله‌ای نوشته است: نظریه ادبی واقعی درباره ژانرهای ادبی، شاید چیزی بیش از جامعه‌شناسی ژانر نباشد» (احمدی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۱۲).

لازمه تشخیص نوع ادبی یک اثر، شناخت هم‌زمان ساختار و محتوای آن است و اگر نسبت به یکی از این دو مقوله غفلت کنیم، بی‌شک به خطا خواهیم رفت. در بعضی از طبقه‌بندی‌هایی که در گذشته از انواع ادبی صورت گرفته، چنین خطایی چشم‌گیر است. برای مثال زمانی که ما غنایی یا حماسی بودن را دو نوع ادبی می‌دانیم که وجه

ممیزه آن‌ها محتوای این آثار است، با طیف وسیعی از آثار ادبی مواجه می‌شویم که در قالب‌های گوناگون، ذیل این نوع ادبی قرار می‌گیرند. وسعت این طیف آن قدر زیاد است که ما را در رسیدن به هدف اصلی از طبقه‌بندی آثار ادبی ناکام می‌سازد. قاسمی پور در مقاله خود با استفاده از دیدگاه جان فروا در باب اشکال حاکم بر سازمان‌دهی متون گوناگون، تلاش می‌کند این مشکل را با تمایز میان «وجه» و «گونه» آثار ادبی برطرف سازد. فروا از پنج اصطلاح استفاده کرده است که در بطن آن‌ها وجه و گونه هم قرار دارد. در تعریف وجه و گونه چنین می‌گوید: وجه برحسب معنای وصفی آن عبارت است از کیفیت درون‌مایه‌ای یا طنین یا حالت یک گونه. گونه یا نوع عبارت است از سازمان‌دهی ویژه‌تر و مشخص‌تر متون با توجه به ابعاد درون‌مایه‌ای، بلاغی و شکل‌شناختی (رک: قاسمی پور، ۱۳۸۹: ۷۲). براساس این تعریف، گونه‌ها عواملی ساختاربخش هستند که باعث تولید معنا می‌شوند. این عوامل علاوه بر اینکه بر الزامات و الگوهای ساختاری دلالت دارند، به درون‌مایه‌ها و مفاهیم نیز مربوط می‌شوند. کارکرد «دانش گونه شناختی» هم شامل آگاهی از ویژگی‌های صوری اثر است و هم مربوط به درون‌مایه‌ها و مفاهیم اثر است و هم شامل چیستی و چگونگی مقاصدی است که گونه‌ها به انجام می‌رسانند (ر.ک. قاسمی پور، ۱۳۹۱: ۳۲).

بالحاظ آنچه درباره‌ی وجه و گونه بیان شد، بررسی و طبقه‌بندی ادبیات تشیع، تنوع و تکثر بیشتری را نسبت به طبقه‌بندی انواع ادبی گذشته نشان می‌دهد و در نتیجه می‌توان درباره‌ی ساختار و محتوای آن‌ها با دقت و ظرافت بیشتری اظهار نظر کرد.

۲. بیان مسئله و روش پژوهش

فارغ گیلانی چون افجنکی، ابوالقاسم سبزواری، حمزه ورامینی و... که اطلاعی از زندگی‌نامه آن‌ها نیست، در زمره مناقیبانی بودند که بی‌توجه به جایگاه یا رتبه

اجتماعی فقط به جهت محبت حضرت علی^(ع) و اهل بیت^(ع) او در این راه گام برداشتند؛ از این رو، اطلاعات چندانی از آنان در دست نداریم.

«مناقبیان یک دسته از قصه‌گویان شیعی بودند که در کوی و برزن در مدح و منقبت پیامبر^(ص) و خاندان نبوت شعر می‌خواندند و واقعه‌های جنگ‌ها و دلآوری‌های حضرت علی^(ع) را در قالب شعر و داستان روایت می‌کردند. گروهی از مناقبیان خود شاعر بودند و اشعار خویش را برای مخاطبان می‌خواندند و گروهی دیگر، درویشان کوچک‌گردی بودند که شعر نمی‌دانستند؛ اما به پاس محبت حضرت علی^(ع) و تبلیغ فرهنگ تشیع، اشعار شعرای شیعی یا مناقب‌خوانان را بازخوانی می‌کردند؛ بنابراین نامی از آنان در طبقات شاعران نیست» (کریمی و بیگدلی، ۱۳۹۸: ۲۲۳).

منظومه به جامانده از فارغ‌گیلانی، مجموعه‌ای از قهرمانی‌ها و معجزات و کرامات حضرت علی^(ع) است که به ابعاد مختلف شخصیتی ایشان از جمله علم و آگاهی، شجاعت و قدرت و جنگاوری، قضاوت و مدیریت، جایگاه قدسی و ماورایی و یاری‌رسانی به پیامبر^(ص) در قالب روایت و داستان می‌پردازد. این داستان‌ها برخی ریشه تاریخی و روایی و برخی ریشه قرآنی دارند. برخی نیز مبنای تخیلی و افسانه‌ای به شکل کرامات و معجزات- دارند. در عین حال روایت‌های تاریخی نیز گاه با اسطوره، افسانه و تخیل پیوند خورده‌اند.

در مورد نوع ادبی منظومه فارغ‌گیلانی به اتفاق پژوهشگرانی که درباره آن سخن گفته‌اند، آن را در زمره ادبیات حماسی برشمرده‌اند؛ البته نام و نشانی از این منظومه در کتاب حماسه‌سرایی در ایران از ذبیح‌الله صفا و کتاب در قلمرو ادبیات حماسی ایران از حسین رزمجو نیست. مشخص نیست چه کسی نخستین بار این اثر را اثر حماسی نامیده است؛ اما به قطع یقین، سید علی کاشفی خوانساری در کتاب حیدرنامه در سال ۱۳۸۱ موضوع منظومه فارغ‌گیلانی را غزوات امیرالمؤمنین^(ع) برشمرده و آن را در زمره

مهم‌ترین حماسه‌های علوی در قرن دهم دانسته است (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۱: ۱۰). پیش از ایشان، احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منظومه فارغ گیلانی را در ستایش حضرت علی^(ع) و جنگ‌های وی معرفی می‌کند (منزوی، ۱۳۵۱، ج ۴: ۳۰۱۰). به نقل از بلندی، (۱۳۹۴: ۹). این معرفی از منظومه فارغ گیلانی، زمانی صورت گرفته که هنوز نسخه‌ای از این اثر تصحیح نشده است. زهرا بلندی در سال ۱۳۹۴ این منظومه را تصحیح کرده است. وی نیز در مقدمه رساله خویش، فارغ‌نامه را نوع ادبی حماسی می‌داند و «داستانی بودن، ویژگی‌های خارق‌العاده پهلوانان، اغراق در توصیف شخصیت‌های داستان و رجزخوانی در میدان نبرد» را از شاخصه‌های حماسی بودن این اثر ادبی برشمرده است (بلندی، ۱۳۹۴). ابوالفضل مرادی رستا و همکاران در مقاله «نوآوری‌های سبکی فارغ گیلانی و ویژگی‌های شعری او در فارغ‌نامه» این منظومه را در زمره ادبیات حماسی عصر صفوی می‌دانند که آمیخته‌ای از واقعیت و افسانه است و گاه جنبه داستانی و خیال‌پردازی شاعر بر واقعیت برتری دارد. همچنین انتخاب بحر خفیف با ویژگی موسیقایی خاص آن را به جای گزیدن بحر متقارب، نوعی نوآوری سبکی در خلق این اثر حماسی دینی می‌دانند (مرادی رستا و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۴۲).

اما به واقع منظومه فارغ گیلانی در ذیل کدام یک از انواع ادبی قرار می‌گیرد؟ آیا هر اثری که درباره جنگ یا غزوات باشد، باید از آن به حماسه تعبیر کرد؟ آیا تمام بخش‌های این منظومه به غزوات حضرت علی^(ع) اختصاص دارد؟

این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته، بر آن است تا ضمن معرفی اشعار فارغ گیلانی که به تازگی تصحیح شده است و با استفاده از اطلاعاتی که درباره این شاعر و گونه‌های شعر شیعی در عصر صفوی و پیش از آن وجود دارد، خطای محققان را در تشخیص نوع ادبی و نام‌گذاری اشعار او نشان دهد.

۳. پیشینه و اهمیت پژوهش

فارغ‌گیلانی از شاعران شیعی عصر صفوی است. اثر وی در سال ۱۳۹۴ به همت زهرا بلندی، با عنوان مقدمه، تصحیح و تعلیق فارغ‌نامه تصحیح شده است. بلندی در مقدمه رساله خویش به معرفی شاعر، سبک شعری وی، معرفی نسخه خطی کتاب فارغ‌گیلانی و روش تصحیح اشاره کرده است. امیرحسین رضایی نیز در رساله کارشناسی ارشد خویش با عنوان بررسی مهم‌ترین حماسه‌های علوی پیش از قاجار در سال ۱۳۹۶، در بخشی به اجمال به معرفی فارغ‌گیلانی و اثر او پرداخته است. از فحوای کلام رضایی چنین برمی‌آید که وی منظومه فارغ‌گیلانی را حماسه نمی‌داند و اشاره دارد که نمی‌توان این اثر را ادامه شاهنامه فردوسی دانست؛ زیرا از نظر ایشان فارغ این منظومه را بیشتر براساس اقوال و حکایات شفاهی به نظم کشیده است و شاید هدفش تهیه محتوا برای مناقب خوانی باشد. همچنین ابوالفضل مرادی رستا و همکاران، مقاله‌ای با عنوان «نوآوری‌های سبکی فارغ‌گیلانی و ویژگی‌های شعری او در فارغ‌نامه» در نشریه نظم و نثر فارسی (بهار ادب) در سال ۱۴۰۱، نوشته‌اند که در آن علاوه بر معرفی این شاعر، به بررسی سبکی این اثر ادبی پرداخته‌اند. این مقاله بدون ارجاع به دو پژوهش قبلی، اطلاعاتی بیش از آن‌ها در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد.

اهتمام پژوهشگران در سه اثر معرفی شده فوق، بیشتر بر معرفی این شاعر و اثر او به صورت کلی بوده است. تا به حال، منظومه فارغ‌گیلانی به شکلی ویژه و از منظر گونه‌شناسی بررسی نشده است. این مقاله بر آن است تا ضمن ارائه تحلیل و توصیفی از ساختار و محتوای این اثر، به معرفی نوع ادبی آن بپردازد.

۴. فارغ‌گیلانی کیست؟

از فارغ‌گیلانی در تذکره‌های عصر صفوی اطلاع چندی در دست نیست. به این ترتیب، در شناخت دقیق شاعر که خود را «فارغ» معرفی می‌کند، متکی به اشارات

مختصری هستیم که شاعر از خود و روزگارش به دست می دهد؛ بنابراین اشعارش بهترین منبع ما درباره شاعر و تاریخ زندگی او، تخلص، زادگاه و پیشه وی است.

۱. شاعر، خود را بارها با تخلص «فارغ» خوانده و نام خویش را حسین بن حسن معرفی کرده است:

نام فارغ حسین ابن حسن

این دو نامند اکرم و احسن

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۱: ۸۰)

۲. شاعر خود را فرزند رودسر گیلان، یکی از مناطق شیعی نشین عصر صفوی می داند:

خاصه گیلان که هست مولد ما

معدن شیعیان بود به خدا

نیست در شهر دیگرم مولود

بلکه در رودسر شدم موجود

که همه شیعه اند از دل و جان

مقتداشان علی به هر دو جهان

(همان: ۲۴۳)

۳. در زمان حکومت شاه عباس کبیر می زیسته و اثرش را به این شاه صفوی هدیه کرده است. بعد از حمد و ثنای خدای متعال و پیامبر گرامی، شعری را در ۶۵ بیت با عنوان «در تعریف پادشاه زمان السلطان شاه عباس بهادرخان» در مدح وی سروده است. از محتوای این اشعار مشخص می شود که وی علاقه ای به مدح شاهان نداشته و به جهت توصیه دوستان و به شیوه اهل قلم برای بقای اثر خویش، دست به

سرایش این چنین اشعاری زده است:

سر مدح شهبان نبود مرا
 که طمع زین جهان نبود مرا
 بود از فیض فضل لم یزلی
 متصل مشتغل به مدح علی
 نام شاه زمانه لازم بود
 گاهل تصنیف این چنین فرمود

(همان: ۸۳)

فارغ گیلانی، تاریخ اهدای کتاب خویش را به شاه عباس صفوی در سال ۱۰۰۰ هـ.ق. ذکر می‌کند که مقارن با فتح گیلان توسط اوست:

سال تاریخ این خجسته خطاب
 سنه الف از طریق حساب
 که در این سال شاه عالم‌گیر
 کرد گیلان به عدل خود تسخیر

(همان: ۸۷)

۴. او پیشه خود را مانند مناقبیان، مداحی پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) برمی‌شمرد و شاید یکی از علل مسافرت‌های پیاپی وی همین امر باشد:

شغل من ساخت بعد نعت نبی
 مدحت حضرت علی ولی
 کار من غیر مدح حیدر نیست
 هیچ کاری ازین نکوتر نیست

منم و فکر مدحت مولا

فارغم از جهان و مافیها

بس که در کار مدح او شادم

دو جهان رفته است از یادم

بس بود مدح حیدرم پیشه

غیر از اینم مباد اندیشه

(همان: ۴۱۲)

۵. نوع ادبی فارغ نامه گیلانی

همان طور که پیش از این بیان شد، محققان نوع ادبی این اثر را «حماسه» دانسته اند. به نظر می‌رسد دو دلیل عمده انتساب این ژانر به منظومه فارغ گیلانی، وجود داستان‌ها و روایات حماسی و نیز قالب این اثر باشد که «مثنوی» است؛ اما هر دو مشخصه را ما در نوع ادبی «ولایت‌نامه» که در این عصر و قبل از آن رواج داشته است، شاهدیم. به نظر می‌رسد دلیل خطای محققان در تشخیص گونه شعری منظومه فارغ گیلانی، عدم شناخت گونه‌های شعر شیعی به ویژه گونه‌های قبل از عصر صفوی بوده است. در ادامه این بحث دلایلی که ولایت‌نامه بودن اثر فارغ گیلانی را تأیید می‌کند، ذکر می‌شود:

۵-۱. محتوای منظومه فارغ گیلانی

قبل از عصر صفوی یک نوع ادبی با عنوان «ولایت‌نامه» وجود داشته است. این نوع ادبی که به کرامات و معجزات حضرت علی^(ع) می‌پرداخته، در زمره ادبیات عامیانه است و مناقب‌بیان آن را می‌خوانده‌اند. شاعران عنوان ولایت‌نامه را برای این نوع سروده‌ها در نظر گرفته و در اشعار خود قید می‌کردند. هدف از سرایش این نوع اشعار را بیان کرامات و

معجزات حضرت علی^(ع) و جلب توده مردم نسبت به ایشان می‌دانستند. بخش اعظمی از اشعار فارغ گیلانی با ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی اشتراک ساختاری، معنایی و محتوایی دارند. ولایت‌نامه‌ها در قرن هشتم به سبب منازعات شیعیان و اهل تسنن به وجود آمدند. شاعری چون سلیمی تونی در این نوع طبع‌آزمایی کرده است. ولایت‌نامه‌ها در اواخر قرن نهم در کنار عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مقدمات گرایش مردم را به تشیع و ایجاد جریانی خودجوش فراهم کردند و در ادامه در قرن دهم، به تثبیت عقاید شیعیان کمک نمودند. شاعران در ولایت‌نامه‌ها با تأکید بر کرامات و معجزات چهره‌های اصلی و شاخص تشیع و گاه با ایجاد تصورات افسانه‌ای و خیالی درباره این اشخاص، قصد داشتند مردم را به فرهنگ تشیع ترغیب و تشویق کنند. از این رو، در ولایت‌نامه‌ها نیز داستان جنگ‌ها، یکی از درون‌مایه‌های اصلی محسوب می‌شوند. مبتنی بر این توضیحات، وجود روایات حماسی نمی‌تواند به‌تنهایی دلیلی بر حماسی بودن این اثر باشد؛ ضمن اینکه همه منظومه فارغ گیلانی درباره جنگ‌های حضرت علی^(ع) نیست.

۲-۵. قالب و ساختار منظومه فارغ گیلانی

قالب منظومه فارغ گیلانی در قالب مثنوی است که در عصر صفوی برای ولایت‌نامه به کار می‌رفته است. عمده تمایز ولایت‌نامه‌ها در عصر صفوی با نمونه‌های پیش از آن، در «قالب» است. ولایت‌نامه‌ها قبل از عصر صفوی بیشتر در قالب «قصیده» سروده شده، درحالی‌که در عصر صفوی بیشتر در قالب «مثنوی» هستند؛ اما نکته‌ای که در منظومه فارغ گیلانی تأمل برانگیز بوده، وزن آن است که برخلاف منظومه‌های حماسی که در بحر «مقارِب» سروده می‌شوند، این اثر در بحر «خفیف» است و از این نظر با منظومه‌های حماسی فرق دارد. در مورد ساختار نیز می‌توان این اثر را با منظومه‌های حماسی مقایسه کرد. در این منظومه‌ها، شعر با زمینه‌سازی برای روایت و داستان آغاز می‌شود، با داستان ادامه پیدا می‌کند و با پایان داستان منظومه، کار

شاعر به اتمام می‌رسد؛ اما در اثر فارغ گیلانی این‌گونه نیست و اشعار او با مدح آغاز می‌شود و با دعا و توسل به پایان می‌رسد. برای فهم ساختار شعر فارغ گیلانی باید با ساختار ولایت‌نامه‌های پیش از عصر صفویه آشنا شویم.

همان‌طور که بیان شد، ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، در قالب قصیده و به شیوه قصاید مدحی دارای تغزل، تخلص، تنه اصلی و شریطه بود. البته برخی از شعرا بدون ذکر تغزل و تشبیب به قصاید وارد می‌شدند. (کرمی، بیگدلی، ۱۳۹۸: ۲۴۰-۲۱۵) در عصر صفوی قالب ولایت‌نامه تغییر کرد؛ اما نکته جالب توجه در ساختار ولایت‌نامه‌های فارغ گیلانی این است که شاعر بدون توجه به تغییر نوع قالب، اشعارش را چون ولایت‌نامه‌های پیش از عصر صفوی با حمد و ستایش خداوند، نعت نبی مکرم اسلام^(ص) و منقبت حضرت علی^(ع) آغاز می‌کند و سپس وارد بخش داستانی ولایت‌نامه می‌شود:

لله الحمد قادر متعال

فی جمیع الامور و الاحوال

آن‌که جانم ز مهر داد جلی

به فروغ رخ نبی و ولی

گشت از مهر آن دو ماه دو شاه

سوی خود رهنمای هر گمراه

لیک هرکس نیافت آن دولت

که فروغی برد از آن طلعت

ما چه سان شکر این به جا آریم

که از آن نور فیض‌ها داریم

ای که از شیعیان ایشانی

پیرو راه دین و ایمانی،

بشنواین داستان که شادشوی

تازه ایمان و اعتقادشوی

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵)

فارغ گیلانی پایان اشعار خود را همانند قصاید مدحی، با دعا و توسل به پیشگاه حضرت علی^(ع) به اتمام می‌رساند:

یا علی در چه غمم مگذار

دست من گیر از چه‌م به در آر

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۹۵)

یا علی من غلام اشیاعت

سر من خاک پای اشیایت

فارغ دل شکسته را دریاب

جان به مهر تو بسته را دریاب

(همان: ۱۰۳)

فارغ گیلانی بیشتر به شیوه مناقبیان و مجلس‌های تعزیه، ولایت‌نامه خویش را با ابیاتی به پایان می‌برد که حضور مخاطب عامه در حین منقبت‌خوانی محسوس است. پایان ولایت‌نامه‌ها سندی موثق بر حضور مردم در حلقه مناقبیان یا مجالس آن‌هاست.

هرکه یک گوهر مدیح تو سفت

وانکه یک حرف گفت وانکه یک بشنفت،

جملگی راز لطف خوش دل کن

یک به یک را مراد حاصل کن

(همان: ۳۸۱)

هرکه یک بیت مدح او شنود

از جمیع گناه پاک شود

(همان: ۳۶۶)

بنا بر آنچه در این بخش بیان شد، اثر فارغ گیلانی از حیث ساختار به گونه ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفویه نزدیک است.

۵-۱-۲. درج عنوان ولایت‌نامه در منظومه فارغ گیلانی

فارغ گیلانی مجموعه‌ای از ولایت‌نامه‌ها را در قالب داستان به رشته نظم کشیده و برای هر داستان عنوانی مجزا در نظر گرفته است. داستان‌ها در این منظومه پیوستگی و وابستگی ندارند و هر کدام را خارج از منظومه می‌توان بررسی کرد و هر داستان خود را دارند؛ یعنی هر داستان با یک عنوان هویت مشخصی دارد و از نظر ادبی، فکری و زبانی قابل بررسی است. بررسی عناوین سروده‌ها و نیز عنوانی که به کل اثر او داده‌اند نیز می‌تواند در این پژوهش یاری‌کننده باشد.

۵-۱-۲-۱. عنوان اثر فارغ گیلانی

منظومه فارغ گیلانی را با نام‌ها و عناوین متنوعی نظیر «فارغ‌نامه»، «ولایت‌نامه»، «جنگ‌نامه»، «دیوان ملا فارغ گیلانی» و «کتاب ملا فارغ» می‌شناسند. در ابتدا به نظر می‌رسد وی صاحب آثار متعددی بوده که هر کدام از این نام‌ها مربوط به اثری از آثار اوست؛ اما یافته‌ها نشان از آن دارد که تمام این نام‌ها مربوط به یک اثر ادبی از فارغ

گیلانی بوده که آن هم درباره کرامات و معجزات حضرت علی (ع) است. حال سؤالی به ذهن پژوهشگر متبادر می‌شود که نام اصلی این اثر فارغ چیست؟ چگونه امکان دارد که تک تک داستان‌ها در ساختاری مشخص سروده شده و نام و هویت مستقل داشته باشند؛ ولی کل اثر نامی مشخص نداشته باشد؟

برای پاسخ به این سؤال، نسخ خطی باقی مانده از اثر بررسی شد.

«در فهرست‌های مختلف نسخ خطی و چاپ سنگی، نسخ متعددی با محتوای مشابه معرفی شده است که عنوان "فارغ نامه"، "دیوان فارغ گیلانی" و "ولایت نامه" دارند. تنها در فنخا ۷۵ نسخه از این اثر وجود دارد که عموماً خلاصه یا بخشی از این اثر هستند و کمتر نسخه کاملی از آن را می‌توان یافت. حتی اوضاع در چاپ سنگی این منظومه هم به همین منوال است و آشفتگی‌های بسیاری در آن به چشم می‌خورد» (ر.ک. رضایی، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

همین افتادگی ابتدای نسخ خطی و مخدوش بودن آن، یکی از مهم‌ترین علل مشخص نبودن نام و عنوان کتاب است. سرانجام نسخه‌ای خطی از فارغ گیلانی به شماره ثبتی ۱۲۵ در کتابخانه ملا محسن فیض کاشانی ما را به نشانه‌ای از نام منظومه رهنمون کرد و در تشخیص نوع ادبی اثر به یاری ما آمد. کاتب در صفحه پایانی این نسخه که ۵۲۸۰ بیت دارد، چنین نوشته است:

«و به اکمال انجامید این رساله مبارکه ولایت نامه حضرت شاه اولیا ابن عم، مصطفی زوج فاطمه زهرا - علیه التحیه و الثنا علی مرتضی علیه الصلوة والسلام تمت الكتاب بعون الملك الوهاب [...] بالفقير الحقير الضعيف المذنب الخاطی محمد تقی ابن المرحوم المغفور حاجی محمد لامع عفی عنهما به تاریخ یوم شهر ربیع الاول فی سنة ۱۱۵۴» (بلندی، ۱۳۹۴: ۶۱).

از نکات قابل تأمل در کتابت این نسخه همین بس که کاتب این اثر را «ولایت نامه» دانسته است.

۵-۳-۲. عنوان سروده‌های فارغ گیلانی

در بررسی «ولایت نامه» های قبل از عصر صفوی، می بینیم که عنوان در ابتدای اشعار درج می شود و شاعر در ابتدای شعر، اشاره می کند که مشغول سرایش ولایت نامه است. معمولاً ولایت نامه های فارغ گیلانی نیز به شیوه ولایت نامه های این دوره پیش رفته است:

نظم کن از ولایت مولا

تا بود یادگار ما و شما

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۱: ۳۴۵)

سخنی از ولایت مولا

گوش کن تارسی به دین هدی

(همان: ۱۳۷)

البته در مجموعه اشعار او ولایت نامه هایی هم دیده می شود که شاعر نه در عنوان و نه در سروده به ولایت نامه سرایی خویش اشاره نمی کند؛ ولی از درون مایه و ساختار می توان به نوع ادبی ولایت نامه پی برد. برای نمونه، در ولایت نامه دریدن ازدها در مهد توسط حضرت علی^(ع)، ساختاری شبیه به ولایت نامه دارد و درون مایه آن بیان کرامت آن حضرت است (فارغ گیلانی، ۱۳۹۱: ۸۷).

فارغ در اثنای سرایش شعرگاه از ولایات تعبیری با عنوان «معجزه» دارد. برای نمونه فارغ گیلانی ذیل داستان «باز در مهد بسته حضرت شاه/ برکشیدن ز لطف طفل از

چاه» از کرامت حضرت با عنوان معجزه یاد می‌کند.

گوش کن ای محبّ شاه نجف

معجز شاه بارگاه شرف

(همان: ۹۳)

معجزنامه نام دیگری است که می‌توان بر ولایت‌نامه‌ها گذاشت. در فرهنگ اسلام اصطلاح معجزه فقط برای پیامبران و حضرت رسول (ص) به کار می‌رود و استفاده آن برای حضرت علی (ع) صحیح به نظر نمی‌آید؛ اما مناقب خوانان واژه معجزه را برای حضرت علی (ع) نیز به کار برده‌اند. به نظر می‌آید کاربرد واژه معجزه برای کرامات آن حضرت به‌گونه‌ای به اندیشه‌های غالبانه شیعیان اشاره دارد.

البته تعابیر دیگری نظیر «کرامت» یا «فضیلت» هم برای ولایت‌نامه‌های فارغ گیلانی و قبل از عصر صفوی دیده می‌شود.

حرب شه شمس مغرب و ازدر

از کرامات حیدر صفدر

(همان: ۴۱۱)

گرچه فضلش ز حصر بیرون است

بشنو این نکته را که موزون است

(همان: ۲۷۶)

یا در داستان فتح خیبر، بلندکردن در خیبر را نشان از قدرت ولایت او دانسته است:

که به زور ولایتی که تو راست

قدرت بی‌نهایتی که تو راست

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۳۴۲)

یکی دیگر از شباهت‌های سروده فارغ گیلانی با ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، عنوان‌های مبسوط یا گزاره‌ای است. شعرا - یا مناقب‌خوانان - عنوان‌هایی گزاره‌ای یا مبسوط برای ولایت‌نامه‌های خود برمی‌گزیدند؛ مانند: «ولایت‌نامه اسود و دست بریدن او» (جنگ ۱۳۶۰۹، برگ ۲۸۳) و «ولایت نمودن سلطان ولایت‌پناه و کرم آبی و دختر» (ابن حسام خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۸۴). داشتن چنین عنوان‌هایی در ابتدای ولایت‌نامه‌ها می‌تواند کارکردهای مثبتی داشته باشد. از جمله اینکه ذهن مخاطب را به داستان متمرکز می‌کند و خلاصه‌ای طرح‌واره از داستان ولایت‌نامه را در ابتدا برای مخاطب مجسم می‌سازد. این‌گونه عنوان‌های مبسوط در آثار تعلیمی ایران نظیر مثنوی معنوی هم دیده می‌شود. سمیرا بامشکی در کتاب روایت‌شناسی داستاهای مثنوی این عنوان‌ها را در هشت شکل، معرفی و بررسی کرده است (بامشکی، ۱۳۹۳: ۴۸۶). نوع ادبی ولایت‌نامه در مقایسه با اشکال احصاشده در مثنوی معنوی فقط در دو شکل یعنی در نوع «آوردن درون مایه داستان در عنوان» و «آوردن خلاصه داستان در عنوان» مشابهت دارد. در ولایت‌نامه‌های فارغ گیلانی نیز درون‌مایه یا موضوع داستان در آغاز سروده‌ها دیده می‌شود؛ اما با ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی یک تفاوت اصلی دارد. در ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی درون‌مایه یا موضوع داستان در قالب نثر در ابتدای ولایت‌نامه‌ها ذکر می‌شدند؛ ولی در ولایت‌نامه‌های فارغ این درون‌مایه یا موضوع به صورت تک‌بیت در ابتدای ولایت‌نامه می‌آید:

قصه مرغ و شهر جابلسا

از ولایات حضرت مولا

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۱۹۷)

شمه‌ای از ولایت حیدر

که پس کوه قاف دید عمر

(همان: ۲۹۹)

۵-۳. روایت‌های منظوم فارغ گیلانی

فارغ گیلانی در بخش اصلی منظومه خود، داستان‌ها و روایاتی را با هدف جلب توجه و اقناع مخاطب و تأثیرگذاری بر او به نظم می‌کشد. شاعر می‌خواهد با گذر از داستان، مخاطب را با فرهنگ تشیع آشنا سازد و جایگاه ویژه اهل بیت (ع) را به تصویر کشد. برخی از روایاتی که فارغ گیلانی به نظم کشیده است با ولایت‌نامه‌های عصر صفوی اشتراک مضمونی و محتوایی دارد و از این رو، فرضیه ولایت‌نامه بودن این اثر را تأیید می‌کند. در این بخش به تعدادی از این مشترکات اشاره می‌شود.

۱. قصه شاه مردان امیر شیرافکن/ یازده ساله جبله را کشتن (فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). شاعر در بیت ششم اشاره دارد که این داستان «ولایت» است و اشتراک معنایی دارد با داستان مناقب مرتضی علی کرم الله وجهه جنگ جبله زنگی از خواجه ثنایی (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۱۳۲).

۲. قصه بستن دست دیو را حیدر/ برگشادن ز لطف بار دگر (فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۹۵) با ولایت‌نامه شصت بستن دیو از شیخ انوری (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۱۳۹) و نیز ولایت‌نامه امیرالمؤمنین گفتار درویش اقطع، شباهت محتوایی دارد (همان، ۴۳۰).

۳. قصه فتح قلعه بربر/ بستن رود و کشتن اژدر (فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۱۶۵) با ولایت‌نامه امیرالمؤمنین از ملاسلیمی اشتراکات محتوایی دارد (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

۴. قصه دادن شه به سائل درویش/ در رکوع نماز خاتم خویش (فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۱۸۸) با ولایت‌نامه امیرالمؤمنین از گفتار سید علی (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۲۰۹) و ولایت‌نامه مسلمان شدن افصح خباز از حسام اشتراک محتوایی دارد. (همان: ۴۵۳)

یکی از ویژگی‌های ولایت‌نامه که از قضا در حماسه نیز مشاهده می‌شود، عدم دخالت شاعر در جریان روایت از یک سو و تعهد شاعر برای ذکر راوی موثق برای

داستان از سوی دیگر است. شاید اهداف و اغراض یک شاعر حماسه سرای ملی با اهداف مناقبیان در ذکر راوی داستان یکسان نباشد.

مخاطب ولایت نامه در عصر صفوی شیعیان هستند و شاعر به منظور کسب اعتماد مستمع، روایت خود را به روات موثق نسبت می دهد تا کرامات و معجزات مندرج در روایت را باورپذیر کند. انتخاب راوی در درون داستان از میان شخصیت های مطمئن و موجه از نگاه یک فرد شیعی است. برای مثال در ولایت نامه ها مناقب خوان می گوید این داستان را از امام صادق (ع) یا از جابر انصاری یا سلمان و... شنیدم؛ بنابراین شاعر دخالتی در داستان ندارد. راویانی که فارغ گیلانی از قول آن ها روایت را نقل می کند، گویا مادحان هم عصر وی بودند که از او می خواستند این داستان ها و روایات را به نظم بکشد. برخلاف ولایت نامه های دیگر که راویان آن ها امامان یا صحابه رسول بودند، راویانی که فارغ از آن ها نام می برد، برای ما ناشناخته هستند. برای مثال او از کسانی چون حضرت سلمان، روح الله، محمد مداح، آقا کیا، عبدالرزاق بن ابراهیم و... نام می برد که بی شک برای مخاطبان آن زمان شناخته شده بودند.

راوی این حدیث روح الله

بنده بندگان حضرت شاه

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

راوی این حکایت زیبا

خواجه پاک دین کیا آقا

(همان: ۴۰۵)

درعین حال در میان ولایت نامه های فارغ گیلانی، ولایت نامه هایی دیده می شود که فاقد سند معتبر است. برای نمونه در داستان «قبر شه یافتن خدا بنده/ بشنو تا

دلت شود زنده» شاعر به دلیل شهرت این داستان در میان مردم، نیازی به نقل منبع روایت و راوی نمی بیند:

گرچه بود آن سخن مشهور

بود اما لالی منشور

(همان: ۲۸۳)

نقل روایات متعدد از یک حکایت نشان می دهد که همزمان چندین روایت از واقعه ای وجود داشته است و شاعر به این تنوع توجه دارد. برای نمونه در ولایت نامه «جنگ مولا و عنتر عیسی» شاعر در توصیف رزم حضرت با عنتر سخن می گوید و در اثنای کلام اشاره می کند که روایتی دیگر از نوع مبارزه را شنیده است:

خوانده ام در روایت دیگر

که چنان بر زمین زدش حیدر

(همان: ۱۶۴)

۴-۵. درون مایه های روایات فارغ گیلانی

توجه به درون مایه روایات و داستان هایی که فارغ گیلانی به نظم درآورده است، به ویژه آن بخش که به کرامات و معجزات مربوط می شود، نوعی شباهت با درون مایه روایات حماسی است که در آن اموری خارق العاده و فوق بشری رخ می دهد. همین شباهت است که ولایت نامه های فارغ گیلانی را به حماسه نزدیک می کند. در این بخش به چند نمونه اشاره می شود:

۴-۵.۱. مبارزه حضرت علی^(ع) با حیوانات و موجودات اهریمنی

برخی از ولایت نامه های فارغ گیلانی بر محوریت مبارزه حضرت علی^(ع) با اژدها، مارها،

عفریت‌ها، شیران، شیاطین یا موجوداتی عجیب است. هدف شاعر از طرح چنین ولایت‌نامه‌هایی اشاره به شجاعت حضرت است.

جنگ بنمودن شه یثرب

با دد و دیو در مغرب

(همان: ۴۱۱)

جنگ شیر خداست با شیران

هم به ساروق دیو و با دیوان

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۴۲۵)

۵-۲. سخن‌گفتن با حیوانات، جمادات، گیاهان و مردگان

در نوع ادبی ولایت‌نامه، حضرت علی^(ع) قدرت سخن‌گویی با حیوانات، سنگ، خورشید و... را دارند. ازجمله در ولایت‌نامه «قصه شاه دین و اژدرها» در منظومه فارغ گیلانی، حضرت با اژدها سخن می‌گوید یا در «قصه نوح و یونس و ماهی» حضرت نامه‌ای به دو شیر می‌نویسند و آن دو شیر با دیدن نامه حضرت علی^(ع) در دستان قنبر، از ایشان اطاعت می‌کنند و تسلیم فرمان حضرت می‌شوند. در ولایت‌نامه‌ها به نوعی حیوانات از ایشان فرمان‌بری دارند:

نامه شیر حق چو کرد عیان

در دم آن هر دو شیر گشت نهان

(همان: ۴۱۱)

یا در داستان «کشتن و زنده کردن ادهم/ از ولایات شاه جمله امم» حضرت علی^(ع) برای قضاوت درباره ماجرای، با سر ادهم مرده سخن می‌گویند:

سر ادهم گرفت از سر دار

کرد حاضر به مجلس آن سردار

پس بدو گفت که ای سرادهم

بگشالب چو بسته‌ای برهم

(همان: ۲۵۵)

۵-۴-۳. شفای بیمار

یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی^(ع)، شفای بیمار است. این نوع از کرامت ایشان، در ولایت‌نامه برجسته است. در این نوع ادبی، حضرت همچون طیبی روحانی و با دمی مسیحایی بیماران را شفا می‌دهد. برای نمونه در ولایت‌نامه «چشم‌کندن دختر و با ضیاشدن از دم حیدر» در منظومه فارغ‌گیلانی، حضرت چشم‌کننده دختر مؤمن را شفا می‌دهد.

دم جان بخش خود بدو چو دمید

در دم آن دیده‌ها نکو گردید

(همان: ۲۱۶)

۵-۴-۴. زنده کردن مُردگان

یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی^(ع)، زنده کردن مُردگان است که در ولایت‌نامه‌ها جای تأمل دارد. این کرامت در داستان «علی اسود» به تصویر کشیده می‌شود:

شاه مردان و مرکز ایمان

گفت با آن دو سه تن بی‌جان

که به امر خدای برخیزید

باده در جام مدّعا ریزید

در دم شش تن از دم حیدر

زنده گشتند پیش پیغمبر

(همان: ۲۳۳)

۵-۴-۵. طی الارض یا درهم کشیده شدن مکان

یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی^(ع) طی الارض یا درهم کشیده شدن مکان است. به طور معمول این نوع کرامت در ولایت نامه‌هایی دیده می‌شود که حضرت علی^(ع) برای گره‌گشایی در موضوعات مختلف، مجبور می‌شدند شهر خود را ترک کنند و به آن مکان بروند. برای نمونه، در ولایت نامه «فتح قلعه بربر» حضرت علی^(ع) با همراهی سائلی برای رفع مشکل آن منطقه، به شهری در دوردست می‌روند.

دست سائل گرفت و بیرون برد

از ره لطف سوی هامون برد

به گدا گفت آن شه والا

چشم برهم نه و دگر بگشا

گفت شاهها بگو چه شهر است این

گویا باشد این بهشت برین

(همان: ۱۶۷)

۵-۴-۶. آگاهی و علم غیبی حضرت علی^(ع)

یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی^(ع)، آگاهی و علم غیبی ایشان است. این نوع کرامت به اولیا و صوفیه نیز منسوب است. برای نمونه، در ولایت نامه «جنگ مولا و عنتر عیسی» حضرت از لشکرکشی فرد ستم‌کار حبشی با سپاه به مکه خبر می‌دهد:

حضرت شاه اولیا حیدر

گفت: ای بهترین جن و بشر،

تا به ده روز صبر می‌باید

زان که عنتر به مکه می‌آید

(همان: ۱۵۸)

یکی از ویژگی‌هایی که در تکریم و تعظیم علی^(ع) در شعر شیعی از جمله در ولایت‌نامه‌ها دیده می‌شود، تحقیر عناصر اسطوره‌ای و تاریخی در برابر مقام و شأن آن حضرت است. این مقایسه گاه مقام و شأن انبیای الهی را نیز دربرمی‌گیرد. در حقیقت، شاعر می‌خواهد قهرمان ملی و تاریخی را در مقایسه با قهرمان مذهبی کوچک جلوه دهد. برای مثال، حاتم طایی و رستم دستان را بنده آن حضرت می‌خواند. این نوع از نگاه در منظومه فارغ‌گیلانی هم برجسته است:

گر شود زنده حاتم طایی

خط دهد مرتورا به بالایی،

ور شود زنده رستم دستان

می‌شود بنده تو از دل و جان

(همان: ۱۸۱)

شاعران شیعی از جمله فارغ‌گیلانی، در این راستا خود را نیز در مقابل بزرگی آن حضرت خاشع و ذلیل می‌دیدند و در ابیات متعددی خود را سگ آستان حضرت علی^(ع) برمی‌شمردند. شاید این نکته از تأثیرات عصر صفوی بر مناقیبیان باشد؛ زیرا شاه عباس صفوی خود را کلب آستان علی^(ع) می‌دانسته است.

یا علی من هم از سگان توأم

از مقیمان آستان توأم

(همان: ۱۸۴)

هستم از فیض و فضل حضرت شاه

از سگان درش بحمدالله

(همان: ۱۶۶)

بررسی درون مایه روایاتی که فارغ گیلانی سروده، نشان می‌دهد که پاره‌ای از آن‌ها خارج از موضوع حماسه و جنگ و نبرد است و شاعر تلاش کرده که در سروده خویش، به اشراف علمی و توان روحی و کرامات خاص آن حضرت پردازد و او را در مقایسه با شخصیت‌های تاریخی، علمی و حتی دینی ممتاز گرداند.

۶. نتیجه‌گیری

طبقه‌بندی اشعار شیعی به انواع ادبی، به تحلیل متون و فهمی دیگرگون از تاریخ، سیاست و اجتماع عصری که اثری در آن تولید شده، کمک می‌کند. شعر شیعی در طول تاریخ در انواع متنوع ادبی به حیات خود ادامه داده است. یکی از این انواع در حوزه شعر شیعی، ولایت‌نامه است. این نوع ادبی مربوط به بیان معجزات و کرامات حضرت علی^(ع) در قالب داستان بوده که گاه با تخیل و افسانه پیوند خورده است. در این مقاله نشان داده شد که نوع ادبی منظومه فارغ گیلانی - از شعرای شیعی عصر صفوی - ولایت‌نامه است که از نظر ساختاری و محتوایی با ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی شباهت دارد. برخلاف نظر پژوهشگران، این منظومه به دلایل ذیل در زمره ادبیات حماسی قرار نمی‌گیرد: ۱. بحری که اثر در آن سروده شده است، بحر خفیف بوده که بحر منظومه‌های روایی است. ۲. در این اثر هیچ پیوستگی بین داستان‌ها وجود ندارد و گاهی از یک حکایت چندین روایت نقل شده است. ۳. برخی از حکایات درباره علم یا قضاوت یا مرام‌های اخلاقی حضرت علی^(ع) است و در زمره ادب حماسی نیست. ۴. عمده منابع فارغ گیلانی در این اثر، مبتنی بر روایات شفاهی مناقب‌بین

عصر صفوی است و این حماسی بودن اثر را کم‌رنگ می‌کند؛ همچنین این پژوهش نشان داد که این منظومه به دلایل ذیل، ادامه ولایت‌نامه‌سرایی در عصر صفوی است:

۱. شاعران ولایت‌نامه‌سرا مناقبی بودند و فارغ‌گیلانی نیز مبتنی بر اشعارش، یک مدّاح و مناقب‌خوان بوده است. ۲. ولایت‌نامه‌ها در ساختاری مشخص سروده شده‌اند: ۱. ابتدا حمد و ثنای خداوند و نعت نبی مکرم؛ ۲. بخش داستانی؛ ۳. بخش پایانی و دعا و توسل به پیشگاه اهل بیت^(ع). این ساختار در منظومه فارغ‌گیلانی، البته با توجه به تغییر قالب از «قصیده» به «مثنوی»، مشهود است. ۳. شاخصه ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، درج عنوان ولایت‌نامه برای هر شعر و اشاره شاعر در ابتدا و گاه اثنای شعر به ولایت‌نامه‌سرایی است که در ولایت‌نامه‌های فارغ‌گیلانی نیز دیده می‌شود.
۴. درون‌مایه ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، مبتنی بر علم و آگاهی، قضاوت و مدیریت، جنگاوری و شجاعت و مشکل‌گشایی حضرت در امور مختلف بوده که این امور، در منظومه فارغ‌گیلانی مشهود است. ۵. محتوای ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، بیان کرامات و معجزات حضرت علی^(ع) در قالب جنگ با دیوان و ددان، طی الارض، شفای بیمار، حل مشکلات ملل مختلف، سخن‌گفتن با مرده، مرده‌زنده کردن و ... است که این مهم در منظومه فارغ‌گیلانی وجود دارد. این مقاله، بررسی نوع ادبی منظومه فارغ‌گیلانی را تنها به عنوان یک الگو در فرآیند تشخیص گونه ادبی شعر شیعی ارائه کرد تا نشان دهد برای تشخیص نوع ادبی هر اثر، لحاظ کردن همزمان ساختار و محتوای آن، متمایز کردن گونه ادبی و وجه ادبی آن، توجه داشتن به تحولات و دگردیسی ژانرها و گونه‌های ادبی در طول زمان و نیز آشنایی با گونه‌های ادبی خاص در ادبیات تشیع، لازم و ضروری است.

منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن. ج ۱. تهران: مرکز.
۲. ابن حسام خوسفی، محمد بن حسام‌الدین (۱۳۶۶). دیوان محمد بن حسام خوسفی. به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. مشهد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان.
۳. بامشکی، سمیرا (۱۳۹۳). روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی. تهران: هرمس.
۴. بلندی، زهرا (۱۳۹۱). مقدمه، تصحیح و تعلیق فارغ‌نامه. رساله کارشناسی ارشد. کاشان: دانشگاه کاشان.
۵. جنگ اشعار از شعرای گمنام [بی‌تا]. نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ش ۱۳۶۰۹.
۶. رضایی، امیرحسین (۱۳۹۶). بررسی مهم‌ترین حماسه‌های علوی پیش از قاجار. رساله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
۷. علی بن احمد (۱۳۹۸). جنگ اشعار شیعی. به تصحیح زهرا پارساپور و اکرم کرمی. تهران: نشر کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸. قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۹). «وجه در برابر گونه: بحثی در قلمرو نظریه انواع ادبی». مجله نقد ادبی. س ۳. تابستان. ش ۱۰. صص ۶۳-۹۰.
۹. _____ (۱۳۹۱). «درآمدی بر نظریه گونه‌های ادبی». مجله ادب پژوهی. بهار. ش ۱۹. صص ۲۹-۵۶.
۱۰. کاشفی خوانساری، سید علی (۱۳۸۱). حیدرنامه. تهران: موعود.

۱۱. کرمی، اکرم و سعیدبزرگ بیگدلی (۱۳۹۸). «ولایت نامه نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی». فرهنگ و ادبیات عامه، ش ۲۷. صص ۲۱۵-۲۳۹.
۱۲. منزوی، احمد [بی تا]. فهرست نسخه‌های خطی فارسی. ج ۴. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای تهران.
۱۳. مرادی رستا، ابوالفضل و علی محمد مؤذنی و معصومه بهبودی (۱۴۰۱). «نواوری‌های سبکی فارغ‌گیلانی و ویژگی‌های شعر او در فارغ‌نامه». مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). اردیبهشت. ش ۷۲. د ۱۵. صص ۲۲۵-۲۲۴.